

علل و عوامل وحدت اسلامی

نرگس یزدان پور^۱ راضیه هزبر عراقی^۲

چکیده

قرآن کریم به عنوان کتاب و منبع اصلی و مشترک تمامی مذاهب و فرق اسلامی، ادبیاتی وحدت‌گرا دارد. آیات و مفاهیمی همچون ((واعتصموا))، ((تعاونوا))، ((الف بینهم))، ((امت واحدة))، ((امتا واسطاً))، ((حزب الله))، ((صبغة الله))، همگی، گاه با صراحت، و گاه در قالب روشی اصلاحی بر مفهوم وحدت تأکید می‌نماید. البته مفهوم وحدت در قرآن کریم تنها به امت اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه در سطحی وسیع‌تر، دیگر ادیان توحیدی (ابراهیمی) را نیز در برمی‌گیرد. و پیامبر ((ص)) را مأمور به ابلاغ وحدت می‌کند «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...»^۳

ادعای اصلی این مقاله آن است که بحث وحدت اسلامی و انسانی بیش از هر چیز، موضوعی اخلاقی است، زیرا اهداف نهایی دین، کمال انسان، یعنی تجلی صفات الهی در او و خلق الهی است و دارای عوامل وحدت، یکتا پرستی، و قرآن و عترت، اطاعت از رهبری و... می‌باشد. از جمله علل اختلاف تفرقه بین نوع انسان‌ها و یا بین ادیان و مذاهب، عدم اطاعت از خبری، استعمار و حزب‌گرایی است.

^۱ سطح سه (کارشناسی ارشد)

^۲ سطح چهار (دکتری)

^۳ آل عمران/ ۶۴

انسان موجودی اجتماعی است و تداوم زندگی سعادت‌مندانه او در پرتو پیوندی مودت‌آمیز همراه با تفاهم و احترام متقابل با دیگر هم‌نوعانش امکان‌پذیر است. از این رو، بسیاری از اندیشمندان ضمن پذیرش زیست اجتماعی انسان، علت آن را ((مدنی باطبع)) یا ((مدنی بالاستخدام)) ویا ((مدنی بالاجبار)) بودن او دانسته‌اند، به همین دلیل هیچ انسانی دز شرایط عادی به‌تنهایی توانایی بقا و ادامه حیات ندارد.

افزون بر این، بعد فردی و اجتماعی شخصیت انسان و فضایل رذایل اخلاقی او در جامعه در ارتباط با سایرین شکل می‌گیرد. انسان‌ها در زندگی اجتماعی به دلیل تفاوت و تغایر اهداف، امیال، منافع، روش‌ها، افکار، باورها، و... دچار اختلاف و عداوت‌هایی می‌شوند که کیان وجودی، سلامت، امنیت و سعادت آن‌ها را تهدید می‌کند. بر همین اساس، فلسفه وجودی ادیان و دعوت به وحدت و پرهیز از اختلاف از اصول مشترک پیام‌آوران الهی و قوانین کلی نبوت و رسالت عامه است.

منظور از اتحاد و انسجام چه در سطح اقوام و نژادها یک کشور و چه در سطح ملل و امت اسلامی و حتی جهانی دست شستن اقوام و فرق و انصاف و امم از هویت ملی، قومی و مذهبی و عقاید و باورهایشان نیست؛ بلکه منظور ایجاد صف واحد و یکپارچه و پیوسته در برابر ((دشمن مشترک)) است. بدیهی است هر چه اتحاد و همبستگی بین مردم یک کشور و در سطح وسیع‌تر آن بین کشورهای مسلمان و انسان‌های آزادی‌خواه و عدالت‌خواه دنیا اعتقادی‌تر، مبنایی‌تر، و صادقانه‌تر باشد آثار برکات آن پایدارتر و محکم‌تر و ماندگارتر خواهد بود به تعبیر دیگر، این رویکرد بیش از آنکه به‌عنوان یک ((تاکتیک)) مطرح شود، شایسته است که یک ((استراتژی)) باشد تا بر کیفیت و کمیت آن بر اساس مشترکات و عوامل وحدت‌آفرین و اصیل افزوده شود.

از این رو پیامبر ﷺ و جانشینان و پیروان حقیقی او در طول تاریخ سعی کردند با استعانت از آموزه‌های ناب اسلامی از پراکندگی مسلمین جلوگیری کنند.

وحدتی که در اسلام بدان توصیه شده، ((وحدت عرضی تحمیلی)) نیست که تنها در مقابل دشمن به کار آید بلکه ((وحدت ذاتی خودجوش)) است که باید از درون مسلمانان بجوشد، خواه دشمنی باشد یا نباشد. معمار انقلاب اسلامی فرموده‌اند ما وحدت‌مان برای این نیست که خودمان به جایی برسیم یک کاری کنیم. خدا فرموده



وحدت داشته باشید، برای او وحدت داریم که برای خداست، هر کیدی در مقابلش خنثی است.

معناشناسی وحدت

این واژه در فرهنگ لغت به معنای یگانگی و یکپارچه شدن است و در اصطلاح یعنی ملت و امت اسلام باید باهم متحد باشند. امنیت که مردم آن را باید جدای از همه عقاید و اختلاف نظری که در جزئیات دینی خود دارند در مشکلات دینی خود چون خدا، قرآن، قبله، معاد، رسول ﷺ... یکی بوده و در برابر هر عاملی که بخواهد به یکی از این مشترکات خدشه وارد کند ایستادگی نماید.

کلماتی مانند اتحاد اتفاق، تفاهم، انسجام، همگرایی، بسیج، هماهنگی، تعادل، همکاری، همدلی و... در همین راستا استعمال می‌شوند. اگرچه هر یک از این الفاظ واجد بار معنایی خاص می‌باشند، هرکدام از آن‌ها جلوه و مصداقی از ((وحدت)) بشمار می‌آیند. از بعد اجتماعی، ((وحدت مرام)) اشتراک گروهی در یک مرام و مقصد را شامل می‌شود و از بعد سیاسی «وحدت» یعنی اشتراک همه افراد یک ملت به‌عنوان مجموعه‌ای واحد، در آمال و مقاصد. در ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل از واژه ((همگرایی)) نیز به‌عنوان مترادف وحدت استفاده شده است.

ضرورت وحدت اسلامی

شیوه قرآنی در ایجاد وحدت و انسجام افراد جامعه اسلامی، دارای آثار مثبت و فراگیری است که خداوند از آن به‌عنوان نعمت بزرگ بر مؤمنان یاد می‌فرماید «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا» (آیه اشاره به همین معنا می‌باشد که اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می‌خوانیم بی‌دلیل نیست. دلیل بر اینکه شما را بدان دعوت کرده‌ایم، همین است که خود به چشم خود ثمرات اتحاد و اجتماع و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید و در اثر تفرقه در لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و الفت از آتش نجات یافتید، و اگر ما





این دلیل را به رخ شما می‌کشیم، نه از این باب است که بر خود واجب می‌دانیم هر چه می‌گوئیم، دلیلش را هم ذکر بکنیم و اگر ذکر نکنیم دلیل بر این است که گفتارمان حق نبوده، نه، گفتار ما همیشه حق است، چه دلیلش را هم ذکر بکنیم و چه نکنیم بلکه از این باب است که بدانید این تمسک به حبل‌الله و اتحاد شما نعمتی است از ناحیه ما و در نتیجه متوجه شوید که تمامی دستوراتی که ما به شما می‌دهیم، همه‌اش مثل این دستور به نفع شما است و سعادت و راحت و رستگاری شما را تأمین می‌کند.^۱

در برخورد و مواجهه با ادیان مختلف این سؤال برای ذهن هر متفکری مطرح می‌شود که آیا راستی همهٔ ادیان مختلف و بعضاً متناقض، برحق‌اند؟ با این که دین حق و صراط مستقیم یکی بیش نیست؟ و بقیه ادیان از حقیقت و خواسته الهی دور شده‌اند. آیا ممکن است که خداوند خیرخواه، ادیان مختلف از حیث ماهیت برای بشر بفرستند؟ با تأمل در حکمت ضرورت دین که عبارت است از وجود نیازهای فطری و ثابت انسان از سوی و یکی بودن فرستندهٔ ادیان، به نظر می‌رسد پاسخ سؤال مذکور چندان مشکل نباشد؛ زیرا فرستنده دین خداوند حکیم و خیرخواه است که با برآوردن نیازهای فطری انسان و به فعالیت رساندن استعدادهایش سعادت او را تأمین می‌کند. در این صورت فرستادن ادیانی که با یکدیگر از حیث ماهیت مختلف‌اند، توجیه‌پذیر نیست، زیرا تفسیر ماهوی یک برنامه و آیین در صورتی موجه است که العیاذ باللله ماهیت و لب ادیان پیشین فاقد محتوا و توانایی لازم در جهت هدایت انسان باشد؛ و یا اینکه خداوند دین ناقص فرستاده باشد. این فرض با براهین عقلی و فلسفی ناسازگار است و خرد آن را نمی‌پذیرد. فرض دیگر این که نقصان از سوی خود انسان باشد که به خاطر هوای نفس از قرار گرفتن در رکاب ره‌یافتگان سرباز میزند، لازمه این فرض، نهد تغییر ماهوی دین، بلکه تأکید و راهنمایی و نصیحت بیشتر است.

فرض سوم اینکه تغییر ماهوی ادیان مستند به تغییر شرایط زمانی و مکانی و نیازهای بشری باشد. در پاسخ این احتمال – که امروزه طرفدارانی دارد – باید گفت که گوهر ادیان الهی ادیان الهی مشتمل بر معارفی بنیادی است که ناظر بر سعادت انسان

و نیازهای فطری و ثابت اوست؛ مثلاً دین از انسان خواسته است که از خداوند و پیامبرانش اطاعت کند و به اصول اخلاقی ثابت مثل نوع دوستی و عدالت پایبند باشد. ادیان الهی برای تعالی روح انسانی و برقراری عدالت نازل شده‌اند و این معارف و اصول نیز به هیچ‌وجه با گذشت زمان تغییر نمی‌کند.^۱

با رجوع به قرآن کریم درمی‌یابیم وحدت امت‌ها در گرو وحدت شریعت و آیین آن‌هاست. «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً^۲» مقتضای ارتباط دو جمله «لِكُلِّ جَعَلْنَا...» و «لَوْ شَاءَ اللَّهُ...»، این است که پیدایش امت واحده به وسیله شریعت واحد تحقق می‌یابد. بنابراین وحدت انسان‌ها، وابسته به وحدت شریعت و دین است. موظف شدن پیامبر ﷺ به اقتدا کردن به انبیای گذشته، گویای وحدت و یکسانی آنان در اصول و ارکان دعوت است. زیرا اقتدا به چند راهنمای متضاد ممکن نیست.^۳

بنابراین تفاوت و اختلاف تعلیمات انبیاء با یکدیگر از انواع اختلاف برنامه‌هایی است که در یک کشور هرچند بار به مورد اجرا گذاشته می‌شود و همه آن‌ها از یک قانون اساسی الهام می‌گیرند. همه پیامبران مردم را به یک شاهراه و به سوی یک هدف دعوت می‌کنند.

اهمیت وحدت

اهمیت موضوع وحدت از نظر دانشمندان و مورخان مسلمان و حتی غیرمسلمان مخفی نمانده و همگی با اعجاب فراوان از آن یاد کرده‌اند، به‌عنوان نمونه:

جان دیون پورت دانشمند معروف انگلیسی می‌نویسد: (... محمد یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه خودش را مبدل به یک جامعه فشرده و بانضباط نمود و در میان ملل روی زمین آن‌ها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معنی کرده و در کمتر از سی سال، این طرز و روش امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرد، و سلاطین

^۱ مطهری، حکومت دینی، ص ۱۵۵-۱۵۷

^۲ مائده/۴۸

^۳ هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۴، ص ۳۰۸





ایران را از بین برد. سوریه و بین‌النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد.^۱

توماس کارل می‌گوید: خداوند عرب را به‌وسیله اسلام از تاریکی‌ها به‌سوی روشنایی‌ها هدایت فرمود، از ملت خموش و راکدی که نه صدایی از آن می‌آمد و نه حرکتی محسوس بود، ملتی به وجود آورد که از گمنامی به‌سوی شهرت، از سستی به‌سوی بیداری، از پستی به‌سوی فراز، و از عجز و ناتوانی به‌سوی نیرومندی سوق داده شد، نورشان از چهارسوی جهان می‌تابید.

از اعلان اسلام یک قرن بیشتر نگذشته بود که مسلمانان یک پا در هندوستان و پای دیگری در اندلس نهادند و بالاخره در همین مدت کوتاه اسلام بر نصف دنیا نورافشانی می‌کرد.^۲

دکتر گوستاولوبون به این حقیقت این‌چنین اعتراف کرده است (...تا زمان این حادثه حیرت‌انگیزی یعنی (اسلام) که دفعتاً نژاد عرب را به لباس جهانگیری و خلاق معانی به ما نشان داد، هیچ‌یک از قسمت‌های عربستان نه جزء

تاریخ تمدن شمرده می‌شد و نه از حیث علم یا مذهب نشانی از آن بود.^۳ با تمام گفتگوهایی که درباره اثر اعجاز آمیز اتحاد در پیشرفت اهداف اجتماعی و سربلندی اجتماعات گفته شده است، می‌توان گفت هنوز اثر واقعی آن شناخته نشده است. امروز سدهای عظیمی در نقاط مختلف جهان برپا شده که مبدأ تولید بزرگ‌ترین نیروهای صنعتی است و سرزمین‌های وسیعی را زیرپوشش آبیاری و روشنایی خود قرار داده است، اگر فکر کنیم می‌بینیم این قدرت عظیم چیزی جز نتیجه به هم پیوستن قدرت‌های ناچیز دانه‌های باران نیست و آنگاه به اهمیت اتحاد و کوشش‌های دسته‌جمعی انسان‌ها واقف می‌شویم. در احادیث فراوانی که از پیامبر و پیشوایان بزرگ اسلام به ما رسیده به لزوم و اهمیت این موضوع با عبارات مختلفی اشاره شده است، در یک مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً»،

^۱ جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، مترجم، غلامرضا سعیدی، ص ۷۷

^۲ محمد محمود صواف، نقشه‌های استعمار، ص ۳۸

^۳ گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص

مؤمن مؤمن را چون بنا بود که سخت می‌دارد بعضی بعضی دیگر را؛ یعنی یکدیگر را دعا و نصرت کنند، و با یکدیگر مواسات بکنند، و در دین دست یکی دارند، و یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند^۱).

خطاب در این آیه به عموم اهل کتاب است و دعوت: "ای اهل کتاب بیایید به سوی کلمه‌ای که ... در حقیقت دعوت به این است که همه بر معنای یک کلمه متفق و مجتمع شویم، به این معنا که بر مبنای آن کلمه واحده عمل کنیم و اگر نسبت را به خود کلمه داده، برای این بوده که بفهماند کلمه نامبرده چیزی است که همه از آن دم می‌زنند و بر سر همه زبان‌ها است، در بین خود ما مردم هم معمول است که می‌گوییم: مردم در این تصمیم یک‌دل و یک‌زبان‌اند، و این می‌فهماند که در اعتقاد و اعتراف و نشر و اشاعه آن همه متحدند، در نتیجه معنای آیه مورد بحث چنین می‌شود: بیایید همه به این کلمه چنگ بزنیم و در نشر و عمل به لوازم آن دست‌به‌دست هم دهیم.

علل و عوامل وحدت اسلامی

شالوده مکاتب اجتماعی بر اساس وحدت بی‌ریزی می‌شود و بدون آن هیچ ایده و اندیشه‌ای در جامعه گسترش نمی‌یابد و این خود، بهترین دلیل برای طرح مسئله وحدت و بر حذر داشتن مردم را از تفرقه و جدایی و فراخواندن آنان را به وحدت کلمه از سوی شارع مقدس اسلام است که آن را به‌اختصار در چند حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- ارائه جهان‌بینی توحیدی

جهان‌بینی یک سری اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ درباره جهان، انسان و هستی می‌باشد. در واقع سیستم عقیدتی و اصولی هر دین را جهان‌بینی آن دین می‌گویند. جهان‌بینی توحیدی اسلامی شامل مواردی می‌شود از جمله:

۱- یکتاپرستی ۲- قرآن و عترت ۳- رهبری پیامبر

^۱ نهج الفصاحه، ص ۷۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۵۷

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۰-۳۲



الف: یکتاپرستی

ایمان به خدای یگانه، غیب، کتاب‌های آسمانی، پیامبران و روز بازپسین مهم‌ترین پایگاهی است که وحدت جوامع مسلمان باید بر آن استوار گردد. نظریه (توحید) دیدگاهی وحدت‌گرا و به مثابه مرکزیت نظام تکوین و تشریح است. یکایک انسان‌ها و موجودات عالم هستی تسبیح‌گوی خدای یکتا هستند و در برابر عظمت او خاضع و خاشع‌اند.

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^۱ این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید.

علی‌رغم اختلاف زبانی، تاریخی، زمانی، مکانی انسان‌ها و صرفاً با تأکید بر پیوندهای اعتقادی میان آن‌ها و هماهنگی در مفاهیم و اهداف، این (امت واحده) همه، خدای واحد را می‌پرستند و دارای مشترکات فراوانی هستند که بتوانند امت اسلامی را متحد و همسو کنند، مانند: کعبه قبله‌گاه همه مسلمانان جهان؛ حج کنگره عظیم بین‌المللی اسلامی؛ اذان که شعار همه‌روزه هر زن و مرد مسلمان و نماز و روزه و عبادات روزانه، هفتگی و سالانه مسلمانان است.

ب: قرآن و عترت

هرچند تفرقه برای اجتماع، زهری کشنده است ولی هر وحدتی نیز نجات‌بخش همه‌جانبه جامعه نخواهد بود، یعنی باید محور وحدت، (حبل‌الله) و جهت حرکت، (رو به خدا) باشد. عصبیت و قومیت نه‌تنها محور قابل اطمینانی نیست، بلکه خود بر هم‌زننده وحدت انسان‌هاست.

خداوند در آیه (و اعتصموا بحبل‌الله جميعاً ولا تفرقوا.....)^۲ با تأکید از مردم می‌خواهد که با تمسک به <حبل‌الله> انسجام و وحدت خویش را حفظ کنند تا دچار تفرقه و تشتت نگردند؛ و حبل‌الله همان قرآن و عترت پیامبر ﷺ است. امام باقر علیه السلام با قرائت



^۱ الانبیاء/۹۲

^۲ آل عمران/۱۰۳

آیه مزبور فرمود: { آل محمد ﷺ هم حبل الله الذی امر بالاعتصام به } دودمان محمد ﷺ همان حبل الله است که خداوند، تمسک به آن رافرمان داده است.^۱

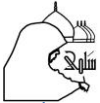
و رسول خدا ﷺ در حدیث ثقلین - که مورد اتفاق شیعه و سنی است و سند آن به ۳۵ نفر از اصحاب آن حضرت می‌رسد قرآن و عترت را محور وحدت معرفی کرده که اگر مسلمانان به هر دوی آنها متمسک شوند، گمراه و پراکنده نخواهند شد، از جمله در حجة الوداع فرمود: ... من دو ثقل گران بها در میان شما می‌گذارم: ثقل اکبر، قرآن است و ثقل اصغر عترت و دودمان من اند؛ این دو حبل الله (ریسمان الهی) اند که اتصال میان شما و خدای بزرگ را برقرار می‌سازند... و در بازگشت از حجة الوداع، امیر مؤمنان (علیه السلام) در (غدیر خم) به امامت منصوب کرد تا پرچم هدایت خلق را به دست گیرد و انسجام و اتحادشان را حفظ کند.^۲

ج: رهبری پیامبر

پس از اصل یکتاپرستی و پیروی از قرآن، اطاعت از پیامبر ﷺ و پابندی به او امر و تعالیم احکام آن حضرت و پیروی از تصمیمات و دستورهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی حضرت، موضوعی است که در تحقق بخشیدن به وحدت جامعه مسلمان نقش به سزایی دارد.

خداوند متعال برای اینکه هیچ تردیدی در اطاعت از رسول اکرم ﷺ باقی نماند، با صراحت بر اطاعت مستقیم از آن حضرت، به‌طور مکرر، تأکید کرده است: «... ما اتیکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا...»^۳

یعنی «هرچه پیامبر ﷺ دستور می‌دهد، اجرا کنید و از هرچه نهی می‌کند، بپرهیزید زیرا او جز از جانب خدا امرو نهی نمی‌کند... و در این آیه اشاره دارد که اداره امور مردم به دست پیامبر ﷺ و امامان جانشین آن حضرت است.»



^۱ عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ البرهان، ج ۱، ص ۳۰۵؛ الصافی، ج ۱، ص ۲۸۵؛ البحار، ج ۷، ص ۱۰۸؛ اثبات

الهداه، ج ۳، ص ۴۵

^۲ جمعی از نویسندگان، اصول اخلاقی، ص ۱۹۴

^۳ الحشر/ ۷

مردم تاهنگامی که از رسول خدا ﷺ اطاعت می کردند، از وحدت و یکپارچگی برخوردار بودند و در برابر هر دشمنی، پایداری و مقاومت می کردند. قرآن مجید این انسجام و شوکت را در سایه پیروی از خدا و رسول ﷺ می داند چنانکه عکس آن نیز صحیح است: «واطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم...» و (فرمان) خدا و رسولش را اطاعت کنید و نزاع نکنید که سست خواهید شد و شوکت شما بر باد خواهد رفت.^۱

۲- پایبندی به موازین اخلاقی

اخلاقیات در کنار اعتقادات و عبادات جایگاه رفیعی در ایجاد استقرار و استمرار وحدت انسان‌ها و مسلمانان نقش دارند؛ اسلام با توصیه به فضائل وحدت‌آفرین که با معرفت دینی، ایمان الهی، یقین قرآنی، حکمت عقلانی تأیید و پشتیبانی می‌شوند، جامعه توحیدی اسلامی را به نور وحدت و انسجام بیاراید.

التزام به فضایی مانند وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر، و اطاعت از رهبری از مهم‌ترین عوامل اخلاقی در پیشبرد و تقویت وحدت و دوری از تفرقه مؤثر دانسته است.

۱-۲ عهد و پیمان

وفاداری به عهد و پیمان ریشه در سرشت و فطرت انسان‌ها داشته و تعالیم انبیا و دیگر مربیان الهی، تلاشی در جهت پرورش شکوفاسازی این استعداد می‌باشند. یکی از اساسی‌ترین شرایط زندگی دسته جمعی وفا به عهد و پیمان است و بدون آن هیچ‌گونه همکاری اجتماعی ممکن نیست که بشر با از دست دادن آن از زندگی اجتماعی و آثار و برکات آن محروم خواهد شد.

به همین دلیل در منابع اسلامی مورد تأکید زیاد واقع شده و شاید کمتر حکمی را بتوان یافت که دامنه اجرای آن تا این اندازه گسترش داشته باشد. خداوند متعال در



^۱ جمعی از نویسندگان، اصول اخلاقی، ص ۱۹۳

قرآن کریم از سویی خود را با وفاترین با وفایان عالم معرفی می‌کند (ومن اوفی بعهده من الله)^۱

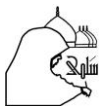
طی یک دستور کلی، وفاداری به هر پیمانی را از مؤمنان می‌خواهد: «یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود»^۲

که شامل همه پیمان‌ها اعم از الهی، انسانی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و..... می‌شود.^۳

اسلام به‌طور بر ضرورت وفای به عهد و پابندی به میثاق در همه زمینه‌ها، بر اساس رعایت جنبه‌های اخلاقی، به‌خصوص در روابط سیاسی و اجتماعی - حتی در مقابل دشمنان - به‌عنوان مسئله‌ای بنیادی برای حفظ و بقای وحدت بخشی جامعه تأکید نموده است. نقش اخلاق و رعایت موازین اخلاقی از جمله عمل به عهد و پیمان برای وحدت بخشی جوامع ارائه داده است را می‌توان در ایات متعددی ملاحظه کرد که همه، بیانگر اهمیت رعایت آن در سطح روابط ملی و جهانی است^۴؛ در ادامه به یکی از ایات مزبور اشاره می‌شود:

((إلا الذین عاهدتم من المشرکین ثم لم ینقصو کم شیئاً ولم یظاهروا علیکم أحداً فأتموا إلیهم عهدهم إلی مدتهم إن الله یحب المتقین))^۵

در این آیه افزودن بر امر به وفای به عهد الهی و عمل به پیمان‌هایی که با مردم مؤمن و مسلمان بسته می‌شود، رعایت پیمان با مشرکان نیز لازم شمرده شده است. قطعاً عدم التزام جوامع به میثاق‌ها و پیمان‌ها باعث بی‌اعتمادی، ستم، زورگویی و هرج‌ومرج و در نتیجه پراکندگی و اختلاف و نزاع می‌گردد و اساس امت‌ها و ملت‌ها را تهدید و تخریب می‌کند. از این رو، حفظ اعتبار و احترام پیمان‌ها و توافق برای حفظ



^۱ آل عمران/ ۷۶

^۲ المائده/ ۱

^۳ مقدس نیا- محمدی، اخلاق اجتماعی، ص ۱۳۹

^۴ محمد باقر حکیم، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۹۸

^۵ التوبه/ ۴

سازگاری و همدلی ضروری است؛ چراکه این مهم هم از اخلاقیات قرآنی و سیره معصومین (علیهم‌السلام) و عقلا، و هم از آیین فتوت و جوانمردی شمرده می‌شود.

۲-۲ امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر اساس فرائض الهی است. جوامع انسانی در پرتو عمل به این دو فریضه، از پرتگاه سقوط نجات یافته و به اوج کمال، پر می‌گشایند. این دو به منزله ضمانت اجرا و پشتوانه عملی سایر وظایف فردی و اجتماعی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است؛ قرآن کریم از این امر به عنوان دو وظیفه مهم امت اسلامی یاد می‌کند و می‌فرماید: «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر یأمرون بالمعروف...»^۱.

در این آیه دستور داده شده که: همواره در میان شما مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند مردم را به نیکیها دعوت کنند و از بدیها بازدارند؛ به دنبال آیات پیشین که مسئله اخوت و وحدت را توصیف کردند در این آیه اشاره به مسئله (امر به معروف) و (نهی از منکر) شده که در حقیقت یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است. از مهم‌ترین آرمان‌های تشکیل دهنده حکومت اسلامی امر به معروف می‌باشد که ضامن استمرار و دوام موضوعات اخلاقی است مایه حفظ وحدت و همبستگی جامعه و امت اسلامی و گویای اساس مسئولیتی می‌باشد که افراد، در قبال تکامل و پابندی جامعه و حرکت امت بر مسیر واحد، در خود احساس می‌کند. حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست.^۲

۲-۳ ترویج نیکی و نیکوکاری

خدمت و نیکی نسبت به هرکسی آثار و فواید ارزنده‌ای در دنیا و آخرت دارد. بطوریکه کاربردی‌ترین مفهوم قرآنی در زمینه رفتار اخلاقی ترویج نیکی و نیکوکاری می‌باشد زیرا بسیاری از مسائل مربوط به تکامل بشر و اخلاق عالی انسانی و اطاعت از



^۱ آل عمران/ ۱۰۴

^۲ مکارم شیرازی، نمونه، ج ۳، ص ۳۴

خداوند، زیرمجموعه خیر و نیکی بشمار می‌رود. «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»^۱ در قرآن، خداوند، عامل بقای نام نیک در میان مردم را نیکوکاری معرفی می‌کند. (.... ولو شاء لجعلكم امه واحده ولكن ليلوكم في ما اتاكم فاستبقوا الخيرات....^۲) و اگر خدا می‌خواست شمارا یک امت قرار می‌داد ولی (خواست) تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید، پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید. در این آیه یکی از کارهای نیک و پسندیده‌ای که به آن تأکید شده و بر سبقت گرفتن پافشاری می‌کند ایجاد یک امت واحده و ثبات وحدت بین مسلمین است و مسلمانان در رفع اختلافات و کدورت‌ها باید جزء سابقین باشند تا بتوانند آن وحدتی که در مورد تأیید خداوند و باعث پیروزی آن‌ها می‌شود ایجاد و حفظ نمایند.

«وَالسَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۳ و نخستین پیشگامان از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری آنان را پیروی کردند، خداوند از آن‌ها راضی است و آنان نیز از خداوند راضی هستند.

۴-۲ اخوت دینی

قران کریم افراد امت اسلامی را منسجم، هماهنگ و مرتبط با یکدیگر می‌داند و در اشاره به این واقعیت، گاه اخوت دینی آنان را به همه اعلام (انما المومنون اخوه^۴) و زمانی بالاتر از آن می‌فرماید: شما ابعاض یک واقعیت و یک پیکره هستید (ولا یغتب بعضکم بعضاً^۵)

و ابعاض یک پیکر از یکدیگر جدا نیستند. گاه دقیق‌تر از آن، از امت اسلامی به (نفس) تعبیر می‌کند و می‌فرماید: خودتان را نکشید و از خودتان عیب‌جویی نکنید.



^۱ الصافات / ۸۰

^۲ المائده / ۴۸

^۳ التوبه / ۱۰۰

^۴ الحجرات / ۱۰

^۵ الحجرات / ۱۲

می‌شود اگر کسی دیگری را به‌ناحق کشت و اگر ابروی دیگری را ریخت مانند این است که ابروی خود را ریخته؛ چون امت اسلامی به‌منزله یک نفس‌اند. جامعه یا اسلامی انسانی است یا فقط انسانی، پس اگر کسی مسلمان است، بر محور اسلام با افراد دیگر متحد است و چنانچه امت و چنانچه نامسلمان است، بر اساس و مدار اصول انسانی با افراد دیگر مشترک است. اخوت و برادری؛ بارزترین صفت در زندگی اجتماعی مؤمنان است. لازمه این برادران است که اصل در جامعه اسلامی، دوستی، صلح، همکاری و وحدت بوده است.^۱

۲- آسیب‌شناسی وحدت اسلامی

اطاعت ناپذیری از رهبر

متأسفانه زمانی که بنیان‌گذار وحدت اسلامی در کره زمین یعنی رسول خدا ﷺ درخواست لوح و قلم نمودند تا وحدت جهان اسلام در پرتو ولایت حق را مکتوب و مستند نمایند تا امت متفرق نشوند؛ عمر بن خطاب برخاست و فریاد زد: بیماری بر این مرد (یعنی پیامبر- والعیاذبالله-) چیره شده است و هذیان می‌گوید، قرآن نزد شماست و کتاب خدا ما را بس است!^۲ این رویداد تاریخی بسیار ناروا، آنقدر تلخ و دردناک بود که ابن تیمیه به نقل از شهرستانی می‌نویسد:

(مخالفت خلیفه دوم با درخواست رسول خدا سبب اختلاف موجود در جهان اسلام شد، و این زبان بزرگ و خسارت بی‌نظیر بشری نیز رقم خورد و تاریخ از مصائب دیگری نیز حکایت دارد^۳).

آری! اولین شکست پروژه عظیم وحدت اسلامی و اختلاف امت اسلام و تفرقه تأسف‌بار موجود میان مسلمانان به گواهی کتاب‌های اهل تسنن، از آنجا آغاز شد و لذا می‌بایست دانشمندان و علمای جهان اسلام فکری برای این امر مهم کنند و تقریب مذاهب را در تبعیت از ولایت حق به سایر مذاهب بچشانند و آرزوی دیرینه رسول



^۱ جمعی از نویسندگان/هدایت درقرآن/ص ۲۴

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۸۵

^۳ ابن تیمیه، منهاج السنه، ج ۶، ص ۳۰۰

خدا ﷻ، که همان وحدت بی نظیر امت اسلام تحت لوای قرآن و عترت است را محقق سازند. آن زمان بود که منافقین بر اختلافات دامن زدند و کودتاگران در پی نقشه‌های شوم خود برآمدند تا عهدنامه صحیفه ملعونه را در سقیفه بنی ساعده به انجام رسانند و به خیال خام خود نور خدا را خاموش کنند. غافل از آنکه نور خدا هیچ‌گاه خاموش نخواهد شد و این وعده خدای متعال است که فرمود: (يُرِيدُونَ لِيُظْفِرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)؛ می‌خواهند نور خدا (ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام) را با دهان‌هایشان (سخنان خویش) خاموش کنند ولی خدای عزوجل نمی‌گذارد، تا نور خود را کامل کند، هرچند کافران را خوش نیاید^۱.

اسلام حقیقی و راستین، همان آیینی است که رسیدن به آن مستلزم چنگ زدن به ریسمان محکم الهی و اطاعت از دو امانت و یادگار رسول خدا ﷺ، یعنی قرآن و عترت می‌باشد و می‌بایست علم و حقیقت دین را از آن دو گنجینه گران‌بها اخذ نمود و به دستگیره محکم الهی تمسک جست؛ همان‌گونه که فخر رازی از بزرگ‌ترین مفسران اهل تسنن و به «امام المشککین»

معروف است آن را تبیین و تشریح و به آن اقرار نموده که «من اتخذ علیاً اماماً لدینه فقد استمسک بالعروة الوثقی فی دینه و نفسه؛ کسی که علی علیه السلام را امام دینش قرار دهد، به دستگیره ناگسستنی چنگ زده است.^۲»

۲- حزب گرایی

حزب گرایی از جمله عوامل بسیار مؤثر در از بین بردن وحدت یک جامعه می‌باشد که باعث دوری از خدا می‌شود. از ابتداء خلقت بشر تا به امروز دو حزب بوده است، حزب الهی و حزب غیر الهی یا شیطانی و آثار هر یک هم جدا بوده است.

هر مسلمانی که موازین و اصول اسلام را پذیرفته است و در اعمال و رفتار از انضباط دقیق شیعی برخوردار است، یک عضو از اعضای حزب الله می‌باشد؛ و تمامی



^۱ الصف ۸/

^۲ فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۰۳

دستورات این حزب و خط مشی آن را قرآن و اسلام بیان کرده است. این حزب غیر از
حزب‌های متداول امروز دنیاست.

در علل گرایش به حزب‌گرایی و گروه‌بندی و فعالیت در احزاب و گروه‌ها از ابعاد
مختلف که فرد را به عوامل بازدارنده از پیشرفت و سازندگی در عرصه‌های مختلف
کشور تبدیل می‌کند می‌توان این ابعاد را نام برد:

۱- سوءظن شدید و پیروی از هوای نفس

۲- بعد اعتقادی و فکری حزب‌گرایان

۳- بعد شخصیتی و تربیتی حزب‌گرایان

۴- شخصیت وابسته و غیر مستقل

۵- عدم توان فکری و تجزیه و تحلیل حل مسئله

۶- پائین بودن عزت نفس و احترام قائل نشدن به خود و دیگران^۱

۳_ استعمار

استعمار به‌خوبی دریافته است: چنانچه مسلمانان یکپارچه و یک جهت باشند و
هیچ کدام از مرزهای قومیت، ملیت، نژاد و منطقه‌های جغرافیایی میان آنان وجود
نداشته، همگی (یک نیروی متشکل در برابر دشمنان اسلام باشند، هیچ‌گاه نخواهند
توانست آنها را به بردگی گرفته، سرمایه‌های مادی و معنویشان را به غارت ببرد و از این
رو درصدد برآمده تا وحدت و یکپارچگی مسلمین را از بین برده، مرزهایی میانشان
پدیدآورد.^۲

و پیکر وسیع و نیرومند کشور اسلامی آن روز را به چهل و چند کشور کوچک و
ناتوان تجزیه نمود و هر منطقه‌ای را به شخص مورد اعتماد خود سپرد و آنان نیز بر سر
خط منطقه‌ای که به آن‌ها سپرده شد، به جان یکدیگر افتادند و همه توان مادی و
نظامی‌شان را در این راه گذاردند.



^۱ آیین برنامه ریزی درباره اتحادملی و انسجام اسلامی

^۲ عباس قمی، سفیه البحار/ ج ۲، ص ۳۶۰

و از سوی دیگر، حصارى از ملت پرستى، در كشورهاي اسلامى كشيده و با زنده كردن و عظمت دادن به تمدن‌هاي قديمى‌شان از قبيل تمدن فراعنه در مصر، فنيقي‌ها و آشوريها در عراق و سوريه، تورانى‌ها در تركيه، ايرانى‌ها در ايران و... سرگرم و دلخوش مى‌كند تا بدین وسيله تمدن درخشان اسلامى را در نظرشان بى ارزش جلوه دهد.

و از ديگر سو، مكتب‌ها و مذهب‌هاي از قبيل: ماركسيسم، صهيونيسم، اگزيستانسياليسم، داروينيسم، فراماسونرى، بهائىگري، كسروى گري، شيخيگري، وهايگري و... پديد مى‌آورد و با رواج آن‌ها در ميان مسلمين و دامن زدن به آتش اختلافات و راه انداختن جنگ و جدال داخلى، يكپارچگى آنان را بر هم مى‌زند و اهریمنانه اش كه همان غارت سرمايه‌هاي ملي و در حال بردگى نگاه داشتن مسلمين است، نائل مى‌گردد.

در صورتى كه مسلمين وحدت كلمه را حفظ مى‌كردند، همان طور كه قرآن مجيد خبر داده: (ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين^۱) و گذشته‌پر افتخارشان نشان داده است، از همه اقوام و ملل برتر و بالاتر بودند و اين چنين در آتش بدبختى و دريوگى نمى‌سوختند.^۲



^۱ آل عمران/ ۱۳۹

^۲ زين العابدين قربانى، علل پيشرفت اسلام وانحطاط مسلمين، ص ۴۷

نتیجه

مسئله وحدت اسلامی از آن چنان اهمیتی نزد رسول خدا ﷺ برخوردار است که آن حضرت را بر آن داشت که برای آنکه بین مسلمانان وحدتی ناگسستنی به وجود آید و منافقان بر تفرقه و اختلافات دامن نزنند، در پنج‌شنبه آخر عمر شریفشان تصمیم گرفتند، سندی زنده در باب خلافت و تثبیت موقعیت و جانشینی امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام، به یادگار گذارند و خطاب به حاضران فرمودند: «کاغذ و دواتی برای من بیاورید تا برای شما مطلبی بنویسم که پس از آن هرگز گمراه نشوید».

امروزه جهان اسلام باید بداند که تنها راه مقابله با دنیای کفر و استکبار جهانی، وحدت و انسجام اسلامی است، حقیقتی انکارناپذیر که نبود آن آسیب و ضربه‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکره اسلام وارد خواهد کرد و انکار و مقابله با آن گناهی است نابخشودنی و



آتشی است که مقدسات را زیر سؤال برده و حقیقت دین را پنهان و طاعون طاغوت را آشکار و منتشر می‌سازد.

حال چه باید کرد؟ از طرفی بسیاری از مسلمانان از حقیقت دین خود آگاه نیستند و از تبعیت ابلاغ جهانی و دستور الهی غدیریه فاصله دارند و از سوی دیگر دنیای کفر نیز در پی مقابله با اسلام و ایجاد تفرقه و دشمنی در میان مسلمین است و می‌خواهد اسلام استعماری خود را از کانال فرقه ضاله وهابیت و سنی‌های افراطی به جهانیان بقبولاند و چهره واقعی اسلام را به صورت دیگری نمایان سازند و امت اسلام را در امور مختلف ضعیف و ناتوان جلوه دهند؛ از این رو می‌بایست پیروان هر یک از مذاهب گوناگون اسلامی در روابط اجتماعی و سیاسی و نظامی و اقتصادی و غیره خود با سایر مسلمین همسو و در مقابل دشمنان همواره به صورت «ید واحد» عمل نمایند و در این اتحاد، قدرت جهان اسلام را به دشمنان نشان دهند و با عمل به سیره رسول رحمت، چهره واقعی اسلام را به جهانیان عرضه بدارند که اسلام ناب محمدی، دین رحمت و محبت است و در آن قتل و غارت و کشتار و خشونت معنایی ندارد و جهانیان نیز می‌بایست این حقیقت مهم را درک نمایند که وهابیت که امروزه به نام اسلام دست به فجایع غیر اسلامی و انسانی می‌زند و بر مقدسات اسلامی و سایر ادیان می‌تازد، زاینده تفکرات همان استعمار و طاغوت و شیاطینی است که کمر به

دشمنی با قرآن و عترت بسته بودند و به خیال خام خویش در پی نابودی حقیقت انسانیّت‌اند.

البته در این مقابله جهان اسلام در برابر دنیای کفر نیز می‌بایست هوشیار و بیدار بود و از اصل و حقیقت غافل نشد. مبلغان مذهب اهل بیت علیهم‌السلام باید متوجه باشند که اتحاد بین شیعه و سنی در مقابل جهان کفر به معنای دست برداشتن از اعتقادات و تلاش نمودن برای رسیدن به وحدت واقعی و اهداف عالیّه الهیه نیست و می‌بایست بدون آنکه بهانه به دست دشمن دهند،

در پی تحقق وحدت حقیقی و دعوت سایر پیروان مذاهب به حقیقت دین، تحت لوای قرآن و عترت باشند و بر تحقق آرزوی دیرین رسول رحمت اصرار و همت گمارد.

از آنجاکه وحدت، در همه عرصه‌های ملی، اسلامی، انسانی و جهانی به‌منزله موضوع و زیرمجموعه جمیع آموزه‌های اسلامی هدفی مقدس و خدایی است و کاملاً با مسائل اعتقادی و باورهای ارزشی و دستورهای دینی ما مرتبط است، تکلیفی شرعی، و اعتقادی الهی است؛ و از آن جهت که با افکار و سرشت روحی و رفتارهای فردی و اجتماعی ما سروکار دارد، سیاستی انسانی و اخلاقی است

مسائل و مفاهیم اخلاقی، همچون سایر مسائل اعتقادی، سیاسی و اجتماعی و حتی بیش از آن‌ها، در ایجاد وحدت و دفع عداوت نقشی جدی و عمیق دارند و هر یک از صفات ممدوح و مذموم به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در فضای جامعه و زندگی اجتماعی تأثیرگذارند؛ این ادعا هم با ادله عقلی و تجربی و تاریخی اثبات شدنی است، و هم قابل استناد به قرآن و سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام و عقلا و صلح است.



فهرست منابع

قرآن

- ۱- اتحاد ملی و انسجام اسلامی، نشر: پیام امام هادی، ۱۳۸۹
- ۲- زین العابدین قربانی، علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا
- ۳- جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه، غلامرضا سعیدی، ۱۳۹۴
- ۴- جمعی از نویسندگان، اصول اخلاقی، بی تا، بی جا
- ۵- جمعی از نویسندگان، هدایت در قرآن، بی تا، بی جا
- ۶- گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، نشر: دنیای کتاب، ۱۳۸۷
- ۷- محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲
- ۸- محمد بن تیمیه، منهج السنه، نشر: جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه ۱۴۰۶ ق
- ۹- محمدبن عمر، فخررازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، نشر: داراحیاء التراث العربیه، بیروت، ۱۴۲۰
- ۱۰- مقدس نیا-محمدی، اخلاق اجتماعی، بیتا، بی جا
- ۱۱- مرتضی مطهری، حکومت دینی، نشر: اندیشه معاصر، تهران: ۱۳۷۹
- ۱۲- محمد محمود صواف، نقشه‌های استعمار، نشر: فراهانی، تهران: ۱۳۸۹
- ۱۳- محمدباقر حکیم، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، نشر: تبیان، تهران: ۱۳۷۷
- ۱۴- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، نمونه، نشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴

